



«ایران» مضامین و دلالت‌های مداحی‌های جدید را به بحث گذاشت

محرم با نام وطن

تلاشی برای تقویت هویت دیرینه ایرانیان است؛ هویتی که ملیت و مذهب، دو عنصر مقوم و رکن اساسی آن هستند؟ اساساً چرا امروز تقویت این پیوند ضروری است؟ این موضوعی است که با یک استاد دانشگاه و یک پژوهشگر

محمود کریمی، مداح ایرانی در اولین روز محرم بود. محمود کریمی در این مداحی از ملودی یا آهنگ «ای ایران» مرحوم «محمد نوری» بهره گرفت و آن را با مفاهیم مذهبی تلفیق کرد. آیا این تلفیق، به معنای

الهام یوسفی- رضوانه رضایی پورا با پایان جنگ ۱۲روزه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، یک رویداد انعکاس بسیاری در ایران داشت و توجه همگان را به خود جلب کرد. این رویداد، اولین مداحی حاج

راه نجات، بازتولید هویت ملی است

پیوند میان هویت ایرانی و تشیع از کجا آغاز شد؟ اساساً نسبت تشیع و ایران در طول تاریخ به چه صورت بوده است؟



سید رحیم ابوالحسنی
استاد
اندیشه سیاسی
دانشگاه تهران

پایه‌گذاری این پیوند به دوره صفویه بازمی‌گردد. صفویان توانستند ملت ایران را با هویتی مشخص، آن هم مذهبی و شیعی، شکل دهند. ایران در آن دوره با تهدید خارجی، بویژه عثمانی‌ها مواجه بود. صفویان برای ایجاد وحدت ملی، تشیع را به عنوان مذهب رسمی اعلام کردند و روحانیون شیعه را از لبنان به ایران آوردند. این اقدام باعث شد هویت شیعی به عنوان یک عنصر انسجام‌بخش در برابر تجاوزات خارجی عمل کند. اساساً هویت ملی ایران از آن زمان شکل گرفت و ریشه گرفت. تا پیش از صفویه، مقاومت‌هایی به نام ایران وجود داشت؛ اما این مقاومت‌ها بیشتر منطقه‌ای و مقطعی بود. مثلاً در خراسان، سیستان، طبرستان و دیلم، ایرانی‌ها در برابر سلطه اعراب مقاومت می‌کردند، اما این مقاومت‌ها به صورت ملت و با هویت سیاسی و فرهنگی مشخص نبود. صفوی‌ها بودند که برای اولین بار توانستند چنین ملتی را برپایه هویت سیاسی و مذهبی به صورت توأمان تشکیل دهند. در ادامه، اما مسیر تغییر یافت. کما اینکه در دوران قاجار، می‌بینیم نوعی تلاش برای احیای هویت ملی و فرهنگی ایران صورت گرفت، مثلاً برای بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست‌رفته دوران صفویه. اما با نفوذ مدرنیته غربی در اواخر قاجار، روشنفکران به سمت هویت فردی و غرب‌گرا گرایش یافتند. این چرخش فکری باعث شد که هویت ملی. که با فرهنگ دینی پیوند خورده بود. تا حدی تضعیف شود.

چرا این اتفاق افتاد؟ در صورتی که در دوره مشروطه مسأله استقلال ایران اهمیت بسیاری داشت.

مشروطه با شعار آزادی و استقلال آغاز شد، اما روشنفکران آن دوره عمدتاً به سمت غرب تمایل داشتند. در گفتمان مشروطه، جایی برای هویت دینی تعریف نشده بود. هرچند کسانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی تلاش کردند یک هویت امتی اسلامی مطرح کنند، اما این نگاه نتوانست غالب شود. در مشروطه، شاهد درگیری میان هویت دینی و هویت فردی غربگرا هستیم که نهایتاً به نفع جریان غربگرا تمام شد. اعدام شیخ فضل‌الله نوری نماد حذف هویت دینی بود. اما در این دوره علاقه‌مندی به غرب خیلی زود رنگ باخت. جنبش‌هایی مانند نهضت تنباکو و ملی شدن صنعت نفت، زمینه بازگشت دوباره به گفتمان شیعی را فراهم کردند. هرچند در جنبش نفت، آیت‌الله کاشانی حضور داشت، اما نماد آن جنبش، مصدق و ملی‌گرایی بود. این یک هویت ملی‌گرای سکولار بود که با وجود همراهی روحانیت، بیشتر تحت سیطره جریان لیبرال و ضد استعماری قرار داشت. در ادامه، کودتای ۲۸ مرداد عملاً پرونده هویت غربگرایانه را در نگاه مردم سیاه کرد. مردم دریافته‌اند که

غرب مدافع آزادی نیست. پس از آن بود که ناسیونالیسم ایرانی تقویت شد و گفتمان ملی به‌تدریج در جامعه ریشه دواند. در دهه ۳۰، شاهد ظهور سه گفتمان در ایران هستیم: گفتمان دینی، گفتمان مارکسیستی و گفتمان ملی‌گرایی لیبرال که با هم رقابت می‌کردند. در دهه ۴۰ شمسی، روشنفکران ایرانی مانند جلال آل‌احمد و دکتر شریعتی تلاش کردند میان هویت دینی و ملی پیوند برقرار کنند. شریعتی در سخنرانی «بازگشت به خویشستن» در دانشکده نفت آبادان، تعریفی نواز «ملت ایران» ارائه داد که نه بازگشت به گذشته باستانی بود و نه رجوع به غرب؛ بلکه هویتی مبتنی بر فرهنگ شیعی و سیاسی ایران بود. این پیوند بود که مبنای گفتمان انقلاب شد.

انقلاب چگونه بر پایه این گفتمان‌ها شکل گرفت؟

انقلاب اسلامی حاصل همگرایی گفتمان ملی، چپ مذهبی و اسلام سیاسی بود. پس از پیروزی، جریانی تلاش کرد انقلاب را در قالب اسلام سنتی معرفی کند. انجمن حجتیه و بعدها برخی از روحانیون در این راستا فعالیت داشتند. پس از رحلت امام (ره)، این گفتمان قدرت گرفت و دو جریان دیگر، یعنی لیبرال‌ها و اسلام‌گرایان چپ (خط امامی‌ها) به حاشیه رانده شدند. با این حال در سه دهه اخیر، برخی افشار و جریان‌ها پیش از آنکه با مارکسیست‌ها یا لیبرال‌ها مقابله کنند، مع‌الأسف با هویت ملی مبارزه کردند. این درحالی است که در مواقع بحرانی، نمی‌توان صرفاً با تکیه بر یک گفتمان مردم را پای کار آورد.

آیا می‌توان با توجه به مداحی محمود کریمی، این طور گفت که میان برخی افشار که معتقد بودند میان تشیع و ایران ارتباطی وجود ندارد، نوعی بازنگری صورت گرفته و دوباره بر پیوند ایران و تشیع تأکید شده است؟

در جنگ اخیر، تجربه شد گفتمان‌هایی که ایران را به حاشیه می‌رانند، نمی‌توانند موفق ظاهر شوند. به جز صداوسیما، جامعه پذیرای این ادبیات نیست. اکنون به نظر می‌رسد بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راه نجات کشور، بازتولید هویت ملی بر پایه پیوند ایران و تشیع است؛ هویتی که بتواند افشار مختلف مردم را از دیندار و روشنفکر زیر یک پرچم جمع کند.

برجسته کردن این که هویت ما، ترکیبی از دو پایه ایران و اسلام است، در جنگ هشت ساله هم خیلی پررنگ نشد. چرا امروز این مسأله برجسته شد؟

چهره‌های مؤثر و تأثیرگذار به این نتیجه رسیدند گفتمان‌هایی می‌تواند کشور را حفظ کند. گفتمان ملی است. این گفتمان چتر گسترده‌ای دارد. ما می‌توانیم در همین قالب، پرچم جمهوری اسلامی را هم حفظ کنیم. پیام اخیر رهبر انقلاب و تأکیدشان بر فرهنگ و تمدن ایران هم نشانه‌ای از این امر است. حالا نوبت آن است که هویت ملی ما در پیوند با تشیع، تقویت شود و کشور را از بحران عبور دهد.

ایرانی از صفویه به بعد، حتی در دوره پهلوی خودشان را شاه مملکت شیعه معرفی می‌کردند که حافظ منافع شیعیان است. در امتداد چنین پیوندی، عنصر وطن و ملیت هم با باور دینی پیوستگی یافته‌است که تیلور آن را در مقوله تشیع ایرانی می‌بینیم. به همین جهت است که در ادوار مختلف و مواقعی که کشور نیاز به بسیج اجتماعی دارد، ادبیات دینی متناسب تولید شده و مناسک این نقش را برعهده می‌گیرند. از جنگ چالدران گرفته تا جنگ‌های ایران و روس و نمونه نزدیک‌تر جنبش مشروطه. عنصر میهن در مناسک و ادبیات مذهبی و منبرها مشهود و پررنگ است. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، پیوند دیانت و سلطنت طبعاً شکسته می‌شود و ادبیاتی به عنوان گفتمان مذهبی رسمی حاکم می‌شود که مبتنی بر اسلام سیاسی است که یکی از ویژگی‌هایش جهان‌گرایی و فراملی‌گرایی، یا به تعبیر دیگر امت‌گرایی است. گفتمان‌هایی که متر به عنصر ملیت توجه نشان می‌دهد. به همین جهت در دهه‌های اخیر با غیبت امر ملی در ادبیات مذهبی و مناسکی مواجه بوده‌ایم.

باتوجه به این شواهد تاریخی، پیوند یا ارتباط دو عنصر مذهب و ملیت را در طول تاریخ ایران چطور می‌توان تعریف کرد؟

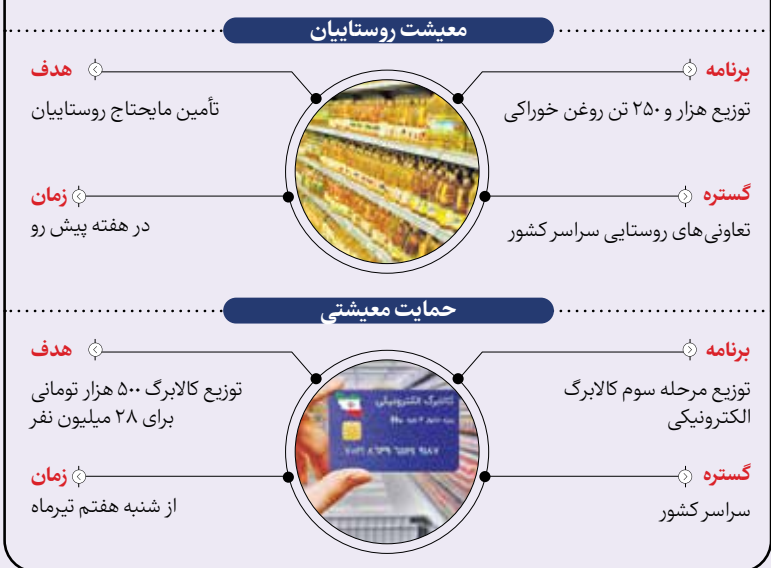
در طول تاریخ، هرگاه جامعه با موقعیتی مواجه شد که هویت و منافع ملی در معرض خطر قرار گرفت، نیروهای مذهبی هم به همان اندازه درگیر این مسأله شدند. چرا که آنان منافع یا اقتضائات مذهبی را با منافع ملی در پیوند می‌دیدند و این پیوند در آیین‌ها و مناسک نیز بازتاب می‌یافت. همان‌طور که اشاره شد، در مقاطعی شاهد آیین‌ها و ادبیات مذهبی هستیم که عنصر ملیت و منافع ملی در آنها بسیار برجسته و پررنگ است. به گمان من، این اتفاق در زمان کنونی نیز می‌تواند رخ دهد. به دلایل مختلف، بستر برای احیا و بازسازی گفتمان که پیشینه تاریخی دارد، مهیا شده است.

اگر امر ملی و امر دینی در مغایرت یا در تضاد باهم تعریف شوند، پیامد آن برای هر دو حوزه چه خواهد بود؟

ببینید! علی‌رغم تحولات گسترده و عمیقی که جامعه ایرانی در این چند دهه تجربه کرده و نیز تحولاتی که نهاد دین جامعه ایران تجربه کرده است، اما همچنان شواهد و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عنصر دین، عنصری اثرگذار در جامعه است و نمی‌شود بدون توجه به نهاد دین از امر دینی سخن گفت. در چنین جامعه‌ای نه نهاد دین مستغنی از امر ملی و ملیت است و نه می‌توانیم بدون توجه به موقعیت و مسائل نهاد دینی، امر ملی را به طور کامل محقق کنیم. در چنین شرایطی اگر در توازن و تعادل میان این دو نهاد اختلال ایجاد شود، آسیب این امر متوجه هر دو خواهد بود. به عبارت دیگر، هم نهاد دینی به ملیت نیاز دارد و هم ملیت برای دوام و قوام خود نیازمند نهاد دینی است. این موضوعی است که تجربه تاریخی ما آن را تأیید می‌کند.

دولت_کنار_مردم

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



وزارت راه و شهرسازی



وزارت جهاد کشاورزی



وزارت امور اقتصادی و دارایی

